نصف النهار معین در ادله اثباتی

(23:47)

مطلبی که می‌خواهم عرض کنم، در صفحه دویست و هفتاد و نه است. در آن جا یک مطلبی را ارسال فرموده‌اند. ایشان با غالب مطالبی که من عرض کرده‌ام معیّت کرده‌اند. بعد فرموده‌اند ما ادله اثباتیه نداریم. صرف اینکه یک حرفی خوب باشد و آن را سر برسانیم، ما باید از ناحیه شارع دلیل بیاوریم که شارع هم این کار را کرده است. خب شواهد خوبی را آورده‌اند. مطالبی هم که استدلالی عرض کرده‌ام را جواب داده‌اند. حتی برای لیلة القدر گفته اند مانعی ندارد لیلة القدری نوعی برای بقاع باشد. شخصیتش هم برای ولی عصر صلوات الله علیه باشد. چون ملائکه بر او نازل می‌شوند. هر کجا روی کره زمین هستند، آن افق، مصحّح شخصیت ارتکازی ما از لیلة القدر است.

شاگرد: به فرمایش شما نزدیک می‌شوند.

استاد: ایشان خیلی از چیزهایی که من گفته ام را پذیرفته‌اند. اما چیزی که تأکید دارند این است که ادله اثباتیه که ما آوردیم این را ثابت نمی‌کند که شارع به‌عنوان یک حکم شرعی و به‌عنوان یک اعتبار و ترتب آثار، یک نصف النهار مشخص دحو الارض را قرار داده است. این‌ها را فرموده‌اند.

ببینید یکی از ادله ای که من عرض کردم و به گمانم به مطالب نظم می‌دهد، مسأله شروع کار است. روایت «الشمس فی وسط السماء» بود. شما در این روایت اثباتیه به یک نحو شروع کار را می‌بینید. وقتی یک ابتدائی دارد صورت می‌گیرد، شما از ابتدا ذهنتان را جلو بیاورید. از ابتدا برچسب زنی را شروع کنیم. می‌گوییم ادله اثباتیه چه الزامی می‌آورد که بگوییم شارع هم روی خط سیر داریه شخصی قمر، برچسب می‌زند! نیازی نبوده که برچسب بزند. برچسب هایی برای بقاع می‌زند؛ کافی هم هست؛ کارش در می‌رود. چون برچسب های هر بقاع، آن جایش که مربوط به شخص ماه می‌شود یک افق خاصی دارد؛ مثل اینکه حضرت آنجا تشریف دارند. در بقیه اش هم همان اعتبارات خود مردم کفایت می‌کند.

اما اگر بخواهیم بگوییم از اول که شروع شده آن جا شب و روزی دخالت دارد یا ندارد؛ آن جا که می‌گوید «مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»[1] می شده نظمی به آن بدهند یا نه؟ به عبارت دیگر وقتی می‌گوید دحو الارض وسط الارض است؛ کعبه وسط الارض است، چقدر زحمت کشیده بودند روایاتش را آوردند، و شروع هم از وقتی بوده که وسط السماء بوده؛ اگر یادتان باشد علی ای حال اینکه فرمودند: «طالع الدنیا السرطان»، بدون ِنصف النهار مشخص معنا ندارد. شما همینطور بگویید «طالع الدنیا السرطان»! طالع ِکدام دنیا سرطان است؟! وقتی حضرت می‌فرمایند «قد علمت یا فضل انّ طالع الدنیا السرطان، و الشمس فی شرفها و هو فی وسط السماء»، این وسط، ممکن نیست بدون یک نصف النهار واحد باشد. خب پس این روایت دارد اشاره می‌کند به اینکه شروع کار نمی شده مگر به یک نصف النهار معیّن.

شاگرد: در این روایت اخبار از نحوه خلقت است، در آن نیامده که انشائی و جعلی اتفاق افتاده.

استاد: آن قدم بعدی است که عرض میکنم.

بنابراین در ادله اثباتیه، روایتی را پیدا کردیم که بیانی دارد که ممکن نیست معنا پیدا کند مگر به یک نصف النهار معین. «طالع الدنیا»، «الشمس فی وسط السماء». اینجا حتماً باید یک نصف النهار مشخص باشد.

شاگرد۲: شروع شهر است یا سنه است؟

استاد: اینکه حضرت به فضل فرمودند -دو تعبیر در روایات بود؛ یکی «قد علمت» و دیگری «کما تقولون»- علی ای حال إشعار به این دارد که حضرت علی المبنا و روی مسلّمات جلو میروند. آن جا قدر متیقنش شروع تقویم است، ظاهرش که میتواند بیش از قدر متیقنش باشد و مظنون است، شروع امر دحو الارض و خلقت است. یعنی شما میتوانید بین این دو جدا کنید؛ محال نیست که بگویید دحوالارض صورت گرفته ولی تقویم هنوز مانده است. یا تقویم شروع شده ولی دحو الارض هنوز شروع نشده است. تفکیک همه اینها ممکن است. فعلاً ظاهرش این است که یک آغازی را میگویند؛ یا آغاز تقویم است که قدر مسلّمش است، یا آغاز دحوالارض. الآن فرمایش شما برای این چیست؟

---

[1] التوبه ۳۶

بازبینی #2
ایجاد شده 19 ژانویه 2026 14:49:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژانویه 2026 15:20:51 توسط ... .